

قشربندی و نابرابری اجتماعی در استان فارس

دکتر عبدالعلی لهسایی زاده و بیژن خواجه نوری*

تاریخ وصول: ۸۳/۳/۲۵ تاریخ پذیرش: ۸۳/۸/۲۳

چکیده:

نابرابری و قشربندی اجتماعی، پدیده‌ای است با قدمت فراوان که در تاریخ هر جامعه‌ای، بر اساس شرایط و تحولات آن جامعه شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرد. هر چه به زمان حاضر نزدیکتر می‌شویم، به دلیل پیچیدگی در عوامل نابرابری‌زا، پیچیدگی آن بیشتر می‌شود. مقاله‌ی حاضر با استفاده از نظریه‌ای ترکیبی بر اساس آمارهای موجود، نابرابری‌ها و نظام قشربندی در استان فارس را مورد بررسی قرار داده، تغییرات آن را از دهه‌ی ۱۳۴۵ تاکنون ترسیم نموده است. بر اساس یافته‌های این مطالعه در دوره‌ی مورد بررسی، نسبت طبقه‌ی سرمایه‌دار در استان به کل طبقات، روند صعودی داشته اما از حجم طبقات مستقل، متوسط و کارگری به کل طبقات کاسته شده است. همچنین با توجه به شرایط کنونی در ایران، برخی پایگاه‌های طبقاتی چندگانه در استان فارس پدیدار گشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: قشربندی، طبقات اجتماعی، کارفرمایان، کارگر، روشنفکران،

مدیران

۱- مقدمه

جامعه ایران در صد سال گذشته شاهد تغییرات و تحولات فراوانی بوده و به دلیل وجود نفت و انقلابهای رخ داده تاکنون، نسبت به اکثر کشورهای منطقه تنش‌های فزاینده‌ای را بین طبقات سنتی و طبقاتی که غربی شده‌اند، تجربه کرده است. ورود غرب و نظام سرمایه‌داری و تجربه‌ی برخورد با آن برای برخی گروه‌ها بخصوص طبقات متوسط و بالا و مدرن شده سودآور بوده است؛ اما اغلب طبقات متوسط سنتی همچون طبقات خرده‌بورژوازی سنتی را ناخشنود کرده است (بونین ص ۱).

* به ترتیب استاد بخش جامعه‌شناسی و دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

مسائل اجتماعی همچون نابرابری و قشربندی اجتماعی که کانون کار دانشمندان علوم اجتماعی در قرن نوزدهم قرار گرفته بودند، پیچیده تر و به صورت مسائل جهانی بار دیگر مطرح شده اند. برخلاف تصور برخی، مسائل و مفاهیم طبقه، پایگاه و تحرک اجتماعی حتی در جوامع پیشرفته، مسائل و مفاهیم مسلط و حتی معیارهایی جامعه شناختی تلقی می گردند که مطالعه ی آنها به واسطه ی درجه ی بالایی از دقت مفهومی و روش شناختی مشخص می شوند (بینون و گلاوانیز، ص ۱).^۱

ایران در یکی دو قرن گذشته وارد روابط سرمایه داری شده است و این امر نظام سرمایه داری ایران را به صورت یکی از کشورهای پیرامونی، در مقابل کشورهای مرکز درآورده است؛ لذا نابرابری ها و قشربندی های اجتماعی در ایران را باید از این زاویه مطالعه نمود. از آنجا که امروزه ما وارد نظام جهانی شده ایم، پیچیدگی نابرابریها، باید با توجه به این شرایط بررسی شوند.

هدف این مقاله بررسی ساختار طبقاتی استان فارس و روند تغییرات آن را در دوره ی پهلوی و پس از انقلاب اسلامی می باشد. به نظر می رسد که اگر بتوان از لابلای آمارها و ارقام موجود، وضعیت طبقات اجتماعی این استان را به درستی ارائه نمود، می توان به شناخت هر چه بهتر ساختارهای اجتماعی موجود در قسمتی از ایران پی برد.

۲- مروری بر مطالعات انجام شده

عبدالعلی لهسایی زاده (۱۳۷۶) در مقاله *قشربندی اجتماعی در استان فارس بر اساس نظریه ی ترکیبی که عمدتاً مأخوذ از دیدگاه صورت بندی اجتماعی است، نابرابری و قشربندی در ایران را مورد مطالعه قرار داده است*. در این تحقیق بر سه بُعد شغلی، قدرتی و مالکیت برای تشریح نابرابری در طبقات اجتماعی تأکید شده است. وی در تعریف طبقه معتقد است که "طبقه، گروهی از افراد را در نظر می گیرد که در منافع عینی مشترکی، در نظام قشربندی اجتماعی شریک می باشند." بر این اساس از نظر لهسایی زاده (صص ۲۰۴-۱۸۳) در جامعه ی امروز استان فارس، شاهد طبقات زیر می باشیم:

- ۱- طبقه سرمایه داران؛ ۲- طبقه کارگران؛ ۳- طبقه متوسط؛ ۴- طبقه تولید کنندگان مستقل؛ ۵- طبقه وابستگان؛ ۶- طبقه مالکان اراضی کشاورزی؛ ۷- طبقه کشاورزان سهم

^۱ Beynon and Glavanis

بر و یا مستأجر؛ و ۸- پایگاه های طبقاتی چندگانه. مقاله ی مورد نظر بیشتر جنبه ی نظری دارد تا تجربی و در آن آمار دقیقی از نسبت هریک از طبقات به کل جامعه ی طبقاتی ایران ارائه نشده است.

علی اصغر مقدس (۱۳۷۷) در تحقیقی به بررسی قشربندی اجتماعی و تحرک شغلی در جامعه شهری استان فارس و بوشهر پرداخته است. نتایج نشان می دهد که جامعه ی ایران جامعه ی پویایی است که تغییرات و دگرگونی های عمیق آن از حدود یک قرن گذشته شروع شده و هنوز به حالتی کاملاً ثبات یافته، نرسیده است. همچنین وقوع انقلاب اسلامی با تشدید بعضی از تغییرات ساختاری، روندهایی را دگرگون یا کند کرده است. مقدس معتقد است که تحرک شغلی باید بر اساس منزلت مشاغل و طبقات اجتماعی نیز بر حسب اقشار فرعی آنها بررسی شوند. به نظر وی طبقه ی اجتماعی با قشربندی دو مفهوم متفاوت هستند. طبقه، مجموعه ی خانواده هایی است که از نظر تملک دارایی و ثروت برای بهره مند شدن از سود و کار دیگران و اعمال قدرت سازمانی رؤسای خانواده ها یا بهره مند بودن از تخصصهایی در سازمان فعالیتشان، وضع مشترکی دارند. بر اساس مطالعات پیشین و بر طبق این تعریف، طبقه و قشر در استان های فارس و بوشهر به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفته اند:

۱- سرمایه داران؛ ۲- کسبه و صاحبان حرف مستقل؛ ۳- حرفه ای ها و مدیران اداری دارای قدرت سازمانی؛ ۴- کارکنان یقه سفید دارای تخصص وبدون قدرت سازمانی؛ و ۵- کارگران (مقدس، ۱۳۷۷).

جان فوران (۱۳۷۷) در کتاب مقاومت شکننده یا تاریخ تحولات اجتماعی ایران به بررسی تحولات اجتماعی ایران از دوران صفویه تا سال های پس از انقلاب اسلامی پرداخته است. وی از بین مفاهیم، طبقه، قومیت و جنسیت به ساختار اجتماعی نگرسته و تأکید خود را عمدتاً بر عامل طبقه نهاده است. فوران با استفاده از چارچوبی تلفیقی از نظریه ی نظام جهانی والرشتاین و نظریات وابستگی در قالب نظریه ی صورت بندی اجتماعی به مطالعه ی ایران در فاصله ی زمانی مورد نظر پرداخته است. وی براساس الگوی نظری به کار گرفته شده، پنج صورت بندی یا شکل بندی اجتماعی را برای ایران ترسیم نموده است. صورتبندی پنجم وی مربوط به سال ۱۳۵۶ (یعنی در آستانه ی انقلاب اسلامی) می باشد که شامل: شیوه های تولیدی شبانکارگی- بادیه نشینی (۴ درصد)، تولید کشاورزی (۲۸/۲ درصد)، تولید سرمایه داری (۴۸/۶ درصد) و تولید خرده

کالایی (۱۹/۲ درصد) بوده است. در کنار این شیوه های تولیدی، گروه ها و طبقات مختلط یا انشعابی هم قرار داشته است. تقسیم بندی وی شامل قشربندی کنونی استان فارس نیز می شود. در طبقات حاکم و نخبگان، رؤسا و صاحبان ایلات، زمین داران سرمایه دار، متولیان موقوفه، سرمایه داران خارجی و سرمایه داران اشرافی قرار دارند. در طبقات بینابین بازرگانان روستا و دهقانان میان حال و بازرگانان قرار داشتند. در طبقات بینابین تحت سلطه روشنفکران، روحانیان و پیشه وران صنفی، کارگران کارآزموده حضور دارند. رده ی بعدی مربوط به طبقات تحت سلطه شبانکاره، دهقانان خرده پای زمین دار و پیشه وران روستا، طبقه کارگر و کارگران روزمزد حضور داشته اند. در نهایت در مادون طبقات، عشایر بدون حشم که به زور اسکان یافته اند، دهقانان بدون زمین و طبقات حاشیه شهری جای گرفته اند (فوران، ص ۵۰۵).

احمد اشرف (۱۳۶۰) در تحقیقی مراتب اجتماعی ایران در دوران قاجاریه را مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان می دهد جامعه ی ایران از روزگاران دور، گرداگرد سه محور اصلی یعنی امور دینی، امور حکومتی و امور تولیدی سازمان یافته است. بدین گونه اهل علم به امر دین و آیین، اهل شمشیر و اهل قلم به امر حکومت و اهل کسب، کار، کشت و زرع به امر تولید و مبادله ی کالاها می پرداخته اند. به نظر وی در ایران دین و حکومت از یکدیگر جدا نبودند. اهل علم همراه با اهل شمشیر و اهل قلم در رأس هرم سیاسی، منزلت اجتماعی و مواهب اقتصادی داشتند و لاجرم از اهل کسب و کار متمایز بودند. وی براساس نظریه ی خود به بررسی برخی از شهرهای ایران از جمله تهران و شیراز می پردازد. در شهرهای فوق در دوره ی قاجاریه، به دلیل سادگی زندگی، نوع معیشت و پایین بودن ثروت عمومی و هماهنگی در میان ارزشهای فرهنگی و اعتقادات دینی و شرکت دسته جمعی قشرها در مراسم و مناسبت های اجتماعی و مذهبی و غیره، نوعی همگونی و تجانس نسبی اجتماعی میان قشرها و مراتب اجتماعی پدید آمده و تداوم پیدا کرده است. احمد اشرف، براساس اطلاعات میرزا حسن حسینی فسائی در *فارسنامه ی ناصری* محلات شهر شیراز را به دو رده تقسیم می کند: محلات اعیان نشین؛ و محلات کمتر اعیان نشین؛ محلات اعیان نشین شامل سه محله ی میدان شاه، سرباغ، بازار مرغ و محله باغ نو بود (بخش کوچکی در شمال محله بالاگفت) و محلات کمتر اعیان نشین شامل هفت محله دیگر شهر بود و یک محله نیز به کلیمیان اختصاص داشت (اشرف، ص، ۸۴). براساس اطلاعات *فارسنامه ی ناصری*، اعیان محلات شیراز

شامل ۴۱۱ نفر بوده اند که از این میان ۳۸ نفر از شاهزادگان و خوانین، ۵۵ نفر از علما، ۷۵ نفر از تجار و ۳۲ نفر از اطباء و شعرا، بوده اند. سایر اعیان که به طور عمده شامل اعیان زادگانی بوده اند که یا به اداره ی املاک و اموال موروثی یا مکتسبه اشتغال داشته یا با اتکاء به خانواده می زیسته اند، ۱۱۹ نفر بوده اند (اشرف، صص ۹۱-۹۰).

ویلیام رویس (۱۹۸۱)^۱ در مطالعه ای به بررسی خانواده های شیرازی و تغییرات در آنها بر اساس ملاک های خود پرداخته است. وی بنیانهای قدرت نخبگان را در سنت تاریخی، ویژگیهای فردی، کنش مدنی و کارهای عمومی، ثروت و نفوذ سیاسی می داند. سه عامل نخست آن چیزی است که وجهه را می سازند. سنت تاریخی به نقشی که اعضای پیشین خانواده در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی شهر ملت، بازی کرده اند، بر می گردد. ویژگیهای فردی که اغلب مرتبط با یکدیگرند، شامل: (۱) تحصیلات و وجاهت عالمانه؛ (۲) فصاحت در بیان؛ (۳) ذوق هنری؛ و (۴) جوانمردی و دین داری همچنین کنش مدنی و کارهای عمومی، ساختن و نگهداری مدارس، بیمارستان ها، مساجد از طریق اوقاف یا بنگاه های خیریه می باشد. ثروت نیز فرد را برای داشتن رفاه و هزینه کردن برای تحصیلات، مخارج برای کارهای عمومی و حتی ابزاری برای کسب قدرت و نفوذ قادر می سازد. نفوذ سیاسی نیز به قدرت، توانایی و اراده برای ارائه علائق محلی و افراد در مقابل دولت ملی و نمایندگان هم در شهرستانها و هم در تهران بر می گردد. رویس برای این که نخبگان جایگاهشان را حفظ کنند، پنج فعالیت را مطرح می کند: اول این که اعضای خانواده باید موافق با سنت تاریخی شان زندگی کنند. دوم این که ویژگی های شخصیتی و فردی لازم، توسعه یابند. سوم این که سنت کنش مدنی و کارهای عمومی باید ادامه پیدا کند. چهارم این که باید ثروت خانواده حفظ شود یا بهتر و افزون تر گردد. پنجم این که اعضای نخبگان شهرستانی باید پیوندهای قدیمی و جدید را با دولت ملی و نخبگان ملی به وسیله ی ابزاری همچون ازدواج، قرار دادن اعضای خانواده در موقعیت های دولتی در تهران، توسعه ی دوستی های نزدیک با مدیران منصوب شده در شیراز حفظ کنند. وی بر این اساس و ملاک ها، سه نوع خانواده را در شیراز بر می گزیند و مورد مطالعه قرار می دهد. این خانواده ها عبارتند از قوامی ها که خانواده ای نخبه و سنتی هستند، دیگری خانواده

^۱ Royce

امامی های شیرازی که خانواده ای نخبه از علما می باشند و سوم ابطحی ها به عنوان خانواده ای نخبه و جدید.

میشل بونین (۱۹۸۱) در مقاله ای به بررسی وضع بازار در ایران در دوره های قاجار و پهلوی می پردازد. وی معتقد است که بازار ایرانی پیچیدگی متمرکز شده ای از صنعتگران، خرده فروشان و عمده فروشانی است که به طور سنتی کانون تجاری شهر بوده است. بونین بازار را یکی از عناصر بورژوازی در جامعه ی سنتی ایران می داند. بازار همراه با دیوانسالارها و علما، طبقات متوسط را در بر می گیرند که به لحاظ سلسله مراتب، پایین تر از طبقه ی حاکم بوده است؛ اما جایگاه و قدرت آنان بالاتر از توده های دهقانی، عشایر و کارگران شهری می داند. او اظهار می دارد که بازار اغلب با دیگر اقشار بورژوازی و به خصوص علما در مخالفت با خط مشی های دولتی متحد شده است. بونین در بین بازاری ها، عمده فروشان را در بالاترین موضع می داند.

۳- چارچوب نظری

به اعتقاد جامعه شناسان، جوامع بشری برپایه ی نقش های اجتماعی، وظایف اجتماعی و شغلی استوار هستند و بر همین اساس است که انسان ها از یکدیگر تفکیک می گردند. با گسترش جوامع به لحاظ دانش فنی و به تبع آن تقسیم کار بیشتر، پیچیدگی جوامع بیشتر و تفکیک اجتماعی در آنها بیشتر و عمیق تر می گردد. در مبحث تفکیک اجتماعی، انتخاب یا انسداد اجتماعی از عوامل مهم به شمار می آیند. بحث های مربوط به تغییرات تکنولوژیکی و انتخاب یا انسداد، ما را به ابعاد جدید نابرابری ها و قشربندی اجتماعی می کشاند و این مساله از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است. چارلز تیلی در کتاب نابرابری پایدار، نابرابری را رابطه ای تعریف می کند که بین اشخاص یا مجموعه ای از اشخاص وجود دارد که در آن تعاملات، امتیازات بیشتری برای یکی نسبت به دیگری به وجود می آورد. در کتاب فوق تیلی بر دو شکل مرتبط با یکدیگر نابرابری، تمرکز می کند: یکی نابرابری های مقوله ای مبتنی بر تمایزات جمعیتی یا اجتماعی همچون جنس، نژاد یا مذهب؛ و دوم نابرابری هایی در شانس

زندگی و خوشی (تیلی، ۲۰۰۰).^۱ وی نابرابری را نتیجه‌ی کنترل نابرابر بر منابع تولید ارزش می‌داند (روس، ۱۹۹۹).^۲

این رابطه‌ی نابرابر، و به عبارتی دیگر، این نابرابری در یک رابطه‌ی قدرتی به وجود می‌آید که به نظر کوئيجانو دارای سه مؤلفه است: سلطه، استثمار و تضاد بر روی کنترل عرصه‌های کلیدی هستی اجتماعی انسان که عبارتند از: (۱) کار و منابع و محصولاتش؛ (۲) جنس و منابع و محصولاتش؛ (۳) اقتدار جمعی و منابع و محصولاتش؛ و در نهایت (۴) ذهنیت یا بین ذهنیت و بخصوص تصور و شیوه‌ی معرفت تولید شده. این مؤلفه‌ها در همه‌ی روابط قدرتی، به درجات و اشکال متفاوت وجود دارند و بسته به موقعیت‌های عینی مکان یا زمان، پیکره‌ی الگویی معینی از قدرت در هر مورد را ارائه می‌دهند. در دوره‌ی سرمایه‌داری این الگوها و موقعیت‌های عینی دستکاری و پیچیده‌تر و قوی‌تر از دوره‌های پیشین شده است (کوئيجانو، ۲۰۰۰).^۳

معمولاً برای تعیین طبقات از ملاک‌های مختلفی استفاده شده است که برخی از آنها ذکر شد. علاوه بر درآمد، شغل، تحصیلات و زمینه‌های خانوادگی، باید به ملاک‌های دیگری همچون مالکیت، قدرت و وجهه نیز اشاره نمود. البته ملاک‌های فوق بایکدیگر دارای رابطه‌ی نسبتاً قوی هستند؛ برای مثال مالکیت می‌تواند خود ایجاد قدرت کند و سپس قدرت نیز در شکل‌گیری مالکیت نقش بازی می‌کند.

علاوه بر ملاک شغل، قدرت، مالکیت، وجهه و تحصیلات که برای تبیین نابرابری و ایجاد طبقه‌های اجتماعی لازم می‌نمایند، باید در تبیین نابرابری‌ها و قشر بندی اجتماعی در کشورهای پیرامونی، ملاک‌های دیگری نیز در نظر گرفته شوند. توسعه‌ای که در کشورها یا مناطق حاشیه‌ای یا پیرامونی به وقوع پیوسته است، به دلیل ناموزون بودن در بخش‌های مختلف و در مناطق گوناگون، پیامدهای منفی نظیر تورم، عدم اشتغال، مسایل بهداشتی، نارسایی آموزش و پرورش و مانند آنها را به دنبال داشته است. بنابراین دلیل، توسعه‌ی مذکور را توسعه و وابستگی می‌دانند که به معنی رشد در درون محدوده‌ها، پیشرفت و رفاه اقلیتی از مردم جامعه و رنج و حرمان اکثریت می‌باشد. (فوران، ص ۲۴). آنچه به این دیدگاه باید اضافه نمود، این است که در یک چارچوب

^۱ Tilly

^۲ Roos

^۳ Quijano

جهانی، شیوه های مختلف تولید در کنار یکدیگر در یک زمان به فعالیت می پردازند، اما همیشه یک شیوه ی تولید موقعیت مسلط را به خود اختصاص می دهد و با استفاده از فرایندهای حفظ و نگهداری و انحلال در جهت حفظ برخی شیوه های تولید و انحلال برخی دیگر اقدام می کند.

رابطه ی بین مراکز و کشورهای پیرامونی و همجواری بین شیوه ی تولید سرمایه داری و سایر شیوه های تولیدی، به ساختار طبقاتی کشورهای پیرامونی، پیچیدگی خاصی داده است که نباید آن را از نظر دور داشت. بنابراین، ملاک هایی همچون قدرت، مالکیت، شغل و رابطه ی مرکز پیرامون، باید به کار گرفته شوند. بر این اساس، مالکیت فقط مالکیت بر وسایل تولید نیست، بلکه مالکیت های دیگری نیز وجود دارد که عده ای را در رده های بالای جامعه و سایرین را در رده های پایین قرار می دهد. همچنین قدرت فقط اقتدار در سازمان دیوانسالاری نیست، بلکه منابع قدرت دیگری نیز وجود دارند که خارج از سازمان دیوانسالاری و کاملاً در چارچوب سنتی قرار می گیرند.

۴- طبقات و اقشار گوناگون در استان فارس

از زمانی که ایران با غرب دارای ارتباط شد، نظام اقتصادی - اجتماعی و سایر نظام های فرهنگی و سیاسی دستخوش تغییر شدند. ایران بتدریج نتوانست انباشت و گسترش سرمایه را که عنصر پویای لازم و اساسی در درون نظام است، به دست آورد. همچنین ایران که به تدریج وارد نظام اقتصادی بین المللی شد، نتوانست رابطه ی خود را با دیگر کشورها و بخصوص کشورهای صنعتی پیشرفته که در مرکز این نظام اقتصادی جهانی قرار داشتند، به نحوی تنظیم کند که در موقعیت مناسب قرار گیرد. در این نظام کشورهای صنعتی پیشرفته اروپایی در مرکز قرار گرفتند و به عنوان بازیگران کلیدی، تکنولوژی و منابع مالی را کنترل کردند و با این امتیاز، به صورت های خاصی صنعتی شدن مناطق حاشیه ای را شکل دادند (فوران، ص ۲۴).

موقعیت ایران به عنوان کشوری پیرامونی که از دوران قاجار شروع شده بود، در دوره ی پهلوی به اوج خود رسید و در آن دوره علی رغم تلاش های مختلف، ایران نتوانست موقعیت خود را در رابطه با کشورهای مرکز بهبود بخشد. در دوره ی پهلوی به دلیل نوسازی صنایع، گسترش آموزش و پرورش جدید و ایجاد فرصت برای اقشار مختلف در جهت سوادآموزی، روابط گسترده با غرب، گسترش دیوانسالاری جدید و

نیروهای نظامی و انتظامی به عنوان ابزارهای تحکیم حاکمیت پهلوی، ساختار طبقاتی ایران به نحو چشمگیری دستخوش دگرگونی شد. به طور کلی طبقات اجتماعی شهری در ایران دوره ی پهلوی و بعد از انقلاب اسلامی را می توان براساس قدرت و اقتدار بخصوص در بُعد سازمانی آن، وجهه در بعد اجتماعی و فرهنگی و مالکیت و ثروت در بعد اقتصادی بررسی و طبقه بندی کرد. این سه بُعد را از نظر تحلیلی می توان از یکدیگر مجزا نمود، اما در عالم واقع تفکیک آنها از یکدیگر بسیار مشکل است و بر یکدیگر تأثیرات قوی و عمدتاً هم پوشی دارند. برای مثال، روحانیون که دارای وجهه ی اجتماعی مهمی به دلیل توانایی فهم مسائل و احکام از متون فقهی و دینی هستند، به لحاظ سیاسی نیز از قدرت بالایی برخوردار می باشند.

براساس ملاک های بالا و با عنایت به نظریه ی مورد استفاده، می توانیم در ایران الگوی طبقاتی را ترسیم نماییم. بدیهی است که استان فارس نیز به عنوان یکی از استان های مهم ایران از همین الگو تبعیت می کند؛ بنابراین در اینجا به ترسیم الگوی طبقاتی استان پرداخته و سپس تحولات آن را در دوره ی پهلوی و انقلاب بررسی می کنیم.

۴-۱- کارفرمایان

با توجه به ورود سرمایه داری در ایران و توسعه ی وابسته دوره ی پهلوی، ما دارای طبقه ی سرمایه دار هستیم. سرمایه داری ابتدا در بخش های تجاری وارد شد و به تدریج حوزه ی نفوذ خود را در بخش های صنعتی و کشاورزی نیز گسترش داد؛ بر این اساس، در استان فارس سه قشر از سرمایه داری یعنی سرمایه داران صنعتی، سرمایه داران کشاورزی و سرمایه داران تجاری ملاحظه می شوند.

یکی از مشکلات در بررسی و ارزیابی طبقه سرمایه داران در ایران عدم تطبیق دقیق آمارها با مفاهیم نظری در علوم اجتماعی می باشد. همچنین اطلاعات دقیق و ریز در مورد مشاغل به همراه وضعیت درآمدی، تحصیلی و سایر اطلاعات لازم برای ارزیابی گروه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به طور دقیق و مناسب وجود ندارد. طبقه ی سرمایه داران نیز از این اصل کلی مستثنی نیستند. اضافه بر این، جمع آوری اطلاعات از این طبقه، کاری دشوار می باشد. در هر حال در آمارگیری رسمی ایران، اعضای این طبقه به طور روشن تعریف نشده اند و "تنها آماري که در مورد اعضاي این طبقه موجود است، تحت عنوان کارفرمایان می باشد" (لهسانی زاده، ۱۳۸۱).

جدول ۱: جمعیت کارفرمایان در استان فارس بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ (به درصد)^۱

کارفرمایان	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
استان فارس	۱/۶	۱/۶	۲/۰	۳/۴
نقاط شهری	۲/۴	۳/۰	۲/۹	۴/۲
نقاط روستایی	۱/۲	۰/۶	۱/۷	۲/۵

ماخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶

با توجه به جدول شماره ۱، درصد جمعیت کارفرمایان کل استان بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ نسبت به جمعیت همان سالها در سرشماری، روند افزایشی را نشان می دهد. این روند بخصوص بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ رشدی شتابان را نشان می دهد و از ۲ درصد جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر به ۳/۴ درصد رسیده است. این روند در نقاطی شهری و روستایی نیز نشان دهنده وضعیت مشابهی است. تنها بین سالهای ۵۵ تا ۶۵ کارفرمایان در نقاط شهری استان کاهش ۰/۱ درصدی را نشان می دهد که این نیز به دلیل وقوع انقلاب و مسائل مرتبط با جنگ می باشد. اما بین سال های ۶۵ تا ۷۵، جمعیت کارفرمایان رشد سریعی را نشان می دهد و از ۲/۹ به ۴/۲ درصد رسیده است. این روند برای نقاط روستایی گرچه نشان دهنده ی افزایش کلی درصدها می باشد، اما نوسانات آن بیشتر بوده و از ثبات کافی برخوردار نبوده است؛ به گونه ای که بین سالهای ۴۵ تا ۵۵ بخصوص بعد از اصلاحات ارضی کاهش درصدها زیاد می باشد و از ۱/۲ درصد به نصف آن یعنی ۰/۶ درصد رسیده است؛ اما بین سالهای ۵۵ تا ۶۵ و ۶۵ تا ۷۵ یعنی بین سه سرشماری جمعیت کارفرمایان در نقاط روستایی در بین جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر در ایران در هر فاصله ۱۰ ساله دو برابر شده است. این امر نشان دهنده ی بهبود وضعیت روستاییان به دلیل بالا رفتن قیمت تولیدات کشاورزی و دامی می باشد.

^۱ درصدهای این جدول و جدولهای دیگر بر اساس نسبت هر مقوله به کل شاغلان آن تقسیم بندی گرفته شده است. برای مثال، درصد کارفرمایان کل استان به شاغلین کل استان و درصد کارفرمایان نقاط شهری و ... محاسبه شده است.

۴-۲- طبقه کارگر

با گسترش نظام سرمایه داری و تحولات در صنایع ایران در دوره ی قاجار ما شاهد به وجود آمدن هسته های اولیه طبقه ی کارگر می باشیم. این رشد با افزایش تجارت نابرابر اروپاییان و روسیه با ایران و در نتیجه کاهش تولید کنندگان مستقل بود (فوران، ص ۱۶۷). در دوران پهلوی با گسترش صنایع بزرگ و واحدهای با بیش از ۱۰ نفر کارکن، این طبقه روز به روز گسترش یافت و هم اکنون نیز بر تعداد آنها افزوده می شود.

این گسترش به همراه توسعه ناموزون در سطح جهانی و همچنین پیرامونی بودن ایران بوده است. به عبارتی دیگر، صنایع ایران توسعه ای مستقل از مرکز نداشته است و به همین دلیل نیز بهره کشی و استثمار کارگران ایرانی در جهت ایجاد ارزش مازاد برای مرکز و همچنین سرمایه داری داخلی دو چندان می باشد. به عبارتی دیگر، ارزش افزوده ی ایجاد شده توسط کارگران یا پرولتاریای کشورهای پیرامونی همچون ایران به نفع انحصارات در کشورهای امپریالیستی غربی می باشد (آبراهامیان، ص ۱۹۱).

مرکز از آنجا که این طبقه صاحب وسایل تولید نیست و تنها مالک کار خود است و به طور مستقیم در فرایند تولید شرکت می نماید، لذا مزد بگیر می باشد. برخی از آمارهای موجود بر اساس ملاک مزد، این طبقه را با قشر کارمند از طبقه متوسط ادغام نموده و تفکیک صحیحی انجام نداده است و تحت عنوان مزد و حقوق بگیران آنها را با یکدیگر آورده است. به همین سبب از ارقامی که در زیر این مقوله ارائه شده است، نسبت کارگران و کارمندان را نمی توان مشخص نمود و این امر به شکل های مختلف در آمار نامه های مرکز آمار ایران آورده شده است.

در آمارهای دهه های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵، تحت عنوان آمار کارگران فنی که در تمامی بخش ها به طور مفصل ذکر شده، کارگران طبقه بندی نشده را وارد نموده است که به توجه به این که عمده ی آنها در بخش ساختمانی می باشند، می توان نتیجه گرفت که این گروه کارگران ساده هستند. در آمارهای سال ۱۳۷۵ در یک بخش از آمار شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر در بخش های فعالیت و گروههای عمده ی شغلی، به طور مستقیم از کارگران ساده یاد شده است. در همان جدول متصدیان (اپراتورهای) ماشین آلات و دستگاه ها، مونتاژکارها و رانندگان وسایل نقلیه را با یکدیگر آورده اند. اگر بتوان این گروه را به عنوان بخش کارگران ماهر در مقابل کارگران ساده فرض نمود، می توان آمار مربوط به کارگران استان را به شیوه ای که در جدول ۲ آمده است، ارائه نمود.

جدول ۲: توزیع نسبی کارگران استان براساس مهارت و به تفکیک نقاط شهری و روستایی

۱۳۷۵			۱۳۶۵			۱۳۵۵			کارگران
روستایی	شهری	استان	روستایی	شهری	استان	روستایی	شهری	استان	
۸/۱۰	۱۱/۷۶	۱۰/۰۳	۷/۱۷	۶۸/۲	۶۹/۴	۴۹/۲	۶۸/۸	۵۸/۱	ماهر
۱۹/۲۶	۱۳/۳۸	۱۵/۹۸	۲۸/۳	۳/۱۸	۳/۰۶	۵۰/۸	۳/۱۲	۴/۱۹	ساده
۲۶/۰۱			۴۷/۵			۳۶/۹			کارگران به شاغلان

ماخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۵۶، ۱۳۶۶، ۱۳۷۶

جدول شماره ۲ بیانگر آن است که بین سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ بر تعداد اعضای طبقه ی کارگر افزوده شده؛ ولی از اعضای این طبقه در بین سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ کاسته شده است؛ همچنین جدول فوق نشان دهنده ی آن است که در دهه های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ تعداد کارگران ماهر بر کارگران ساده پیشی گرفته، اما بین سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ این رابطه عکس شده است؛ به عبارتی دیگر، تعداد کارگران ساده نسبت به کارگران ماهر پیشی می گیرد. یکی از دلایل این امر شاید این باشد که برای جذب نیروهای ماهر باید سرمایه گذاری کرد؛ به بیانی دیگر در دهه ی ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ سرمایه گذاری در ایران کاهش یافته و در نتیجه از درصد اعضای قشر ماهر این طبقه کاسته شده است. اگرچه از درصد کارگران ساده نیز کاسته شده؛ اما روند نزولی قشر ماهر سریعتر بوده است.

۴-۳- طبقه ی متوسط

با به قدرت رسیدن رضاشاه در سال ۱۳۰۵، وی تلاش نمود تا نظم نوینی را در ایران برقرار کند. سلطه ی رضاشاه با گسترش حضور نظام سرمایه داری جهانی در عرصه های مختلف ایران همراه بود. رضاشاه تکیه گاه خود را به سه رکن ارتش جدید، بوروکراسی نوین دولتی و حمایت دربار گذاشت. برای اولین بار بعد از سلطنت صفویان دولت توانست با ابزارهای گسترده ی مدیریت، نظم و سلطه، جامعه را اداره کند (آبراهامیان، ص ۱۲۴). لذا رضا شاه بر تقویت این ارکان سلطه همت گماشت. بر این اساس در طول سلطنت وی ارتش، سازمان اداری و دربار گسترش یافتند و بسیار قدرتمند شدند.

در بین طبقه ی متوسط نه همچون کارگران به طور مستقیم در ایجاد ارزش افزوده اقتصادی نقش بازی می کنند، و نه همچون سرمایه داران صاحبان صنایع سبک و سنگین هستند و نه مانند، تاجران عمده در بخش تجاری می باشند. این طبقه دارای

موقعیتی پیچیده بین طبقه ی سرمایه دار و طبقه ی کارگر است که نقش رابط را بین دو طبقه ی فوق بازی می کنند؛ زیرا با گسترش صنعت و پیچیده شدن آن، از یک طرف مسائل فنی را سرمایه داران نمی توانند بی واسطه به کارگران منتقل کنند و بنابراین، مهندسان به عنوان یک گروه اجتماعی ظاهر شده اند و از طرف دیگر کنترل مسائل اجتماعی اقتصادی پیچیده بین کارفرمایان و کارگران در بخش صنایع، نیاز به مدیران را روز به روز نمایان تر ساخته اند.

اعضای این طبقه معمولاً فروشنده ی نیروی کار خود هستند؛ اگر چه در ایجاد ارزش افزوده ی تولید شده در بازار کار به طور مستقیم وارد نمی شوند. از آنجا که این طبقه فروشنده نیروی کار خود هستند، مزد بگیر غیر تولیدی می باشند (پولانتزاس، ص ۲۰).^۱ این طبقه را به دو گروه خرده بورژوازی سنتی و خرده بورژوازی جدید تقسیم می کند و به طور کلی در طبقه ی متوسط چهار قشر اصلی روشنفکران، حرفه ای ها، مدیران و کارمندان می بیند.

۴-۳-۱- روشنفکران

با توجه به این که روشنفکران نه صاحبان ابزارهای اصلی تولیدند و نه در ایجاد ارزش اضافی به طور مستقیم وارد می شوند، به عنوان قشری از طبقه متوسط می باشند. کارکرد این گروه همان طور که ماکس بلاف بیان می کند پیشبرد و تبلیغ دانش یا ساخته و پرداخته کردن ارزشهای جامعه ی خاصشان می باشد (مرشدی زاد، ص ۲۳). بر این اساس روحانیون یکی از گروههای روشنفکر در جامعه است. بسیاری از روشنفکران ایرانی (از هر دسته) در ساختار حکومتی مشارکت داشته و جزئی از پیکره بوروکراسی دولتی می باشند (لهسانی زاده، ۱۳۸۱). ریمون آرون در کتاب افیون روشنفکران معتقد است که روشنفکران را باید از دانشمندان که صرفاً دانش می اندوزند، متمایز دانست؛ زیرا روشنفکر همان طور که ادوارد شیلز می گوید، باید مردم را با نیازهای واقعی شان و وسایل برآوردن آنها آشنا سازد (بشیریه، ص ۲۴۸). لذا در ذات کارکرد روشنفکران می توان انتقاد از وضع موجود و تقاضای میزانی از دگرگونی را ملاحظه نمود.

در جامعه ی ایران به طور کلی، و در استان فارس به طور خاص، این قشر مهم اجتماعی دارای آمار مشخصی نیستند و اطلاعات در مورد بخشی از آنها در

^۱ Poulantzas

سرشماری های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ موجود است، اما در سرشماری ۱۳۷۵ آمار آنها در مقوله های دیگر مستتر شده است و قابل تشخیص و تفکیک نمی باشد. اگر روحانیون، مؤلفان، روزنامه نگاران و دیگر نویسندگان را مربوط به قشر روشنفکران اعم از مذهبی و غیر مذهبی تلقی نماییم، تنها در سرشماری های مذکور به طور مشخص از آنها یاد شده است. همچنین در سرشماری ۱۳۶۵ بر خلاف سرشماری ۱۳۵۵ روحانیان و دیگر کارکنان دینی را در یکدیگر ادغام کرده اند.

جدول ۳: جمعیت بخشی از روشنفکران در استان فارس

۱۳۶۵			۱۳۵۵			روشنفکران
نقاط روستایی	نقاط شهری	کل استان	نقاط روستایی	نقاط شهری	کل استان	
			۱۸۹	۴۷۴	۶۶۳	پیشوایان دینی
۲۸۰	۹۲۲	۱۲۰۳	۲۰	۴۳	۶۳	دیگر کارکنان دینی
۲۸۰	۹۲۲	۱۲۰۳	۲۰۹	۵۱۷	۷۲۶	جمع کل
			۲	۴	۶	مؤلفان و منتقدان
۷	۱۲۰	۱۲۷	۰	۳۰	۳۰	روزنامه نگاران
۷	۱۲۰	۱۲۷	۲	۳۴	۳۶	جمع کل

ماخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۵۶ و ۱۳۶۶

همان طور که ملاحظه می گردد، در سرشماری ۱۳۵۵، تعداد اعضای گروه روحانیان به تفکیک روحانی و کارکنان ارائه شده است، اما در سرشماری ۱۳۶۵ این دو در یکدیگر ادغام شده و ارائه گردیده است و در سرشماری ۱۳۷۵ جمعیت آنها مشخص نیست. همین وضعیت برای مؤلفان، روزنامه نگاران و دیگر نویسندگان نیز صادق می باشد.

۴-۳-۲- حرفه ای ها

حرفه ای ها دومین قشر طبقه ی متوسط می باشند. این افراد که دارای تحصیلات دانشگاهی لیسانس به بالا هستند، کلیه ی دکترها، فوق لیسانس ها، مهندسان، وکلا و بسیاری دیگر از افراد را در بر می گیرند. جامعه به تخصص این قشر نیاز مبرم دارد و هر چه جامعه به لحاظ سطح تکنولوژی و ساختار اقتصادی- اجتماعی پیچیده تر می گردد، اهمیت آنها نیز بیشتر می شود. کارکرد آنها عمدتاً از طریق کانال های رسمی و در

چارچوب پیکره ی قانون گذاری به جهت اصلاح جامعه می باشد. این قشر در جامعه از وجهه و سطح درآمد بالایی نیز برخوردار است (لهسایی زاده، ۱۳۸۰). از آنجا که این قشر، طیف وسیعی از مشاغل را در بر می گیرد، لذا آمار آن به درستی روشن نیست و معمولاً در سرشماری های مرکز آمار ایران تحت عناوین کلی همچون کارکنان مشاغل علمی، فنی و تخصصی، قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران و بالاخره متخصصان از آنها یاد می شود. می توان این قشر را با قشر بعدی یعنی مدیران در یکدیگر ادغام نمود؛ زیرا در جامعه ی امروزی ایران به تخصص مدیران، در ساختارهای پیچیده صنعتی و دیوانسالاری، احتیاج مبرم می باشد و این گروه نیز عمدتاً دارای تحصیلات دانشگاهی لیسانس به بالا می باشند.

۴-۳-۳- مدیران

مدیران استان را می توان به چهار گروه عمده تقسیم نمود: مدیران بخش اقتصادی، مدیران بخش سیاسی، مدیران بخش های فرهنگی- اجتماعی و مدیران بخش نظامی یا افسران ارتش. البته به این جمع باید مدیران صنعتی را نیز افزود؛ زیرا مدیریت فنی در صنایع را عمدتاً مهندسان به عهده دارند، اما مدیران اداری و سایر واحدها را مدیران غیر فنی عهده دار می باشند.

به طور کلی مدیران استان از نظر وجهه ی اجتماعی در سطح بالایی قرار دارند و اقتدار رسمی آنها نیز به لحاظ قانونی پذیرفته شده است. همچنین به لحاظ دستمزد، آنها از دستمزدهای بالایی برخوردارند، بنابراین براساس این ادغام برای آن که آماری نسبتاً نزدیک به واقعیت به دست آید، می توان مقوله های قانونگذاران، مقامات عالیرتبه و مدیران در کنار متخصصان و همچنین تکنسین ها و دستیاران تحت عنوان سرپرستان و مدیران قرار داد.

جدول ۴: جمعیت سرپرستان و مدیران در استان فارس بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ (به درصد)

۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	سرپرستان و مدیران
۱۳/۵	۱۰/۵۳	۶/۳	۳/۰	استان
۲۱/۰	۱۶/۱	۱۱/۵	۶/۱	نقاط شهری
۶/۰	۴/۵	۲/۴	۱/۱	نقاط روستایی

با توجه به درصدهای بیان شده در جدول شماره ی ۴، در سال ۱۳۴۵ تنها ۳ درصد از شاغلین فارس را سرپرستان و مدیران استان تشکیل داده اند. اما آنچه ما شاهد آن هستیم این است که در طی سه دهه درصد این قشر در میان شاغلان استان رو به افزایش بوده است. همچنین توزیع سرپرستان و مدیران بین نقاط شهری و روستایی نا متوازن بوده است به گونه ای که در طول دهه های گذشته بیشترین درصد افراد در این قشر در شهرها به سر برده اند. این امر بیانگر آن است که بیشترین سرمایه گذاری ها و توجهات در طول دهه های گذشته معطوف به شهرها بوده است.

۴-۳-۴- کارمندان

چهارمین قشر طبقه ی متوسط را کارمندان تشکیل می دهند. همان طور که گفته شد، با گسترش نظام سرمایه داری، توسعه ی صنعتی و نوسازی جامعه، نظام دیوانسالاری به عنوان یکی از ابزارهای نظارت اجتماعی و توسعه کشور گسترش یافت. از آنجا که این قشر، طیف وسیعی از گروه ها را چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی به خود اختصاص داده است، به لحاظ کمی در میان سایر اقشار این طبقه مهمترین قشر می باشد و حوزه ی فعالیت آنها خدماتی است و بخش های صنعتی، تجاری، مالی به کار آنها وابستگی زیادی دارند؛ همچنین حوزه های فعالیت آنها در آموزش و پرورش، ارتش، ادارات دولتی نیز می باشد و وابستگی حوزه های فوق به کار کارمندان بسیار بالا است.

به لحاظ موقعیت اجتماعی، کارمندان دارای وجهه ی اجتماعی متوسط و به لحاظ درآمدی در مجموع وضع مناسبی ندارند. همچنین این قشر تقریباً هیچگونه مالکیتی بر وسایل تولید ندارد. همین وضعیت سبب شده است که آنها خواهان تغییرات در جهت بهبود اوضاع اقتصادی خود باشند؛ اما کارمندان این تغییرات را در بستر فرهنگی و ارزش های رایج در جامعه دنبال می کنند. در سرشماری هایی که توسط سازمان آمار ایران انجام شده است، آنها را در دو گروه عمده ی کارمندان امور اداری و دفتری و کارکنان خدماتی و فروشندگان فروشگاه ها و بازارها قرار داده اند.

جدول ۵: توزیع نسبی قشر کارمندان در استان فارس طی ۷۵-۱۳۴۵ (به درصد)

کارمندان	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
استان	۱۷/۴	۱۴/۷	۱۳/۸	۱۱/۳
نقاط شهری	۳۱/۰۹	۲۷/۰	۲۱/۱	۱۷/۸
نقاط روستایی	۸/۸	۵/۶	۶/۰	۴/۸

ماخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۴۶، ۱۳۵۶، ۱۳۶۶ و ۱۳۷۶

جدول شماره ی ۵ بیانگر آنست که بین سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ از درصد قشر کارمندان در کل شاغلان استان کاسته شده است. این درصدها به طور کلی است و تمامی کارمندان دوایر دولتی و خصوصی را در بر می گیرد. همچنین آمارها نشان دهنده ی توزیع نابرابر درصدهای این قشر در بین نقاط شهری و روستایی می باشد. چنین به نظر می رسد که از حجم قشر کارمند طبقه ی متوسط در طول این سالیان کاسته شده و همان طور که پیشتر گفته شد، از آنجا که این قشر بیشترین تعداد افراد طبقه ی متوسط را در بر می گیرد، می توان نتیجه گرفت که از اعضای طبقه ی متوسط در کشور و استان در دهه های گذشته کاسته شده است.

۴-۴- طبقه تولید کنندگان مستقل

ورود شیوه ی تولید سرمایه داری در ایران به معنای انحلال کامل تمامی نظام های تولیدی پیشین نبوده است، بلکه به خصوص در عرصه هایی که نیاز به نیروی کار فراوان داشته و یا ارزش تولیدی آن نسبت به سایر عرصه ها کمتر و یا امکان مکانیزه شدن آن صنعت کمتر بوده است، به حفظ و نگهداری شیوه های تولیدی دیگر پرداخته است؛ اما آنچه مسلم است، نظام سرمایه داری شیوه های تولیدی دیگر را در رابطه ی مبادلات سرمایه داری تحت قوانین خود درآورده است.

با ورود نظام سرمایه داری و شیوه ی تولیدی آن به ایران، بتدریج از تعداد اعضای طبقه تولید کنندگان مستقل کاسته شده و محصولاتی که قبلاً توسط این طبقه تولید شده توسط سرمایه داری و شیوه ی تولیدی آن در حجم انبوه یا در داخل یا در خارج از کشور ساخته شده است. اگر به آمارهای کلی ایران بین سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ نگاه کنیم، می بینیم که از لحاظ نسبی، به شدت از کارکنان مستقل که نماینده ی این طبقه هستند، کاسته شده است. کارکنان مستقل یعنی کسانی که با سرمایه ی خود در بخش

خصوصی کار می کنند و کسی را به عنوان مزد و حقوق بگیر در استخدام خود ندارند، از لحاظ نسبی به شدت سهم خود را در کل شاغلان در بین سال های مذکور از دست داده اند و از ۴۳/۲ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳۲ درصد در سال ۱۳۵۵ تقلیل یافته اند. همچنین از سوی دیگر در این مدت مشاغل جدیدی در گروه کارکنان مستقل به وجود آمده که به کاهش یا افزایش تعداد شاغلان در رشته های مختلف انجامیده است. برای مثال در طول دوره ی فوق از تعداد روستاییان این گروه کاسته و بر تعداد مشاغل خدماتی جدید (انواع تعمیراتی ها) افزوده شده است (رزاقی، صص ۱۱۱-۱۰۹).

تولیدکنندگان مستقل متعلق به خرده بورژوازی سنتی هستند. این طبقه از پنج قشر اصلی تشکیل شده است که شامل اهل حرف، خدمات چیان، مغازه داران، دهقانان و دامداران مستقل کوچ نشین می شود. تولید کنندگان مستقل، طبقه ای انتقالی هستند و وجهه ی اجتماعی متوسطی دارند. این طبقه همچنین به لحاظ مکان فعالیت، در شهرها، روستاها و در میان کوچ نشینان حضور دارند (لهسایی زاده، ۱۳۸۱).

در آمارهای رسمی که توسط مرکز آمار ایران ارائه شده است، تنها مقوله ی کارکنان مستقل وجود دارد. متأسفانه آمارهای فوق در سرشماری های مختلف به نحوی است که در برخی از سرشماری ها، تفکیک تمامی این اقشار از یکدیگر امکان پذیر نیست. جدول شماره ی ۶، روند این طبقه را در بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ برای کل استان فارس، مناطق شهری و روستایی به تفکیک ارائه می دهد.

جدول ۶: جمعیت کارکنان مستقل در استان فارس طی ۷۵-۱۳۴۵ (به درصد)

کارکنان مستقل	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
استان	۴۱/۷	۳۵/۸	۴۸/۷	۳۷/۷
نقاط شهری	۲۸/۳	۲۴/۱	۲۹/۴	۲۹/۹
نقاط روستایی	۵۰/۲	۴۴/۲	۵۳/۹	۴۷/۲

ماخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۴۶ تا ۱۳۷۶

با توجه به درصدهای جدول ۶، سهم کارکنان مستقل در کل استان از کل شاغلان، روند نزولی داشته است. اگر چه بین سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به دلایل مختلف از جمله انقلاب، تحریم ایران، جنگ و غیره بر تعداد آنها افزوده شده، اما بین سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ از درصد شاغلان آنها نسبت به کل شاغلان کاسته شده است. این روند در شهرها

تغییر محسوسی نداشته است. اما در روستاها نیز از درصد کارکنان مستقل نسبت به کل شاغلان کاسته شده است.

روند کاهش کارکنان مستقل بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ می تواند به دلیل نحوه ی روبروشدن با مساله ی صنعت و حمایت دولت از صنایع وابسته و مختلط (یعنی با سرمایه خارجی و داخلی) باشد. همان طور که قبلاً نیز ذکر شد، به دلیل حمایت دولت از صنایع وابسته و مختلط بر تعداد و قدرت سرمایه گذاران صنعتی افزوده شد، و با توجه به آن که آنها از تکنولوژی روزآمد و مدرن برخوردار بودند، کارایی کارشان بالاتر رفت. پیامد عدم توجه صحیح دولت به تولید کنندگان مستقل در شهرها همانا کاهش تعداد آنها بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ بود (احمد اشرف، ص ۲۸۱).

در روستاها به دلیل وضعیت مذکور از درصد کارکنان مستقل کاسته شد؛ اما بین سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به دلیل برچیده شدن شرکت های کشت و صنعت و سهامی زراعی بر درصد این طبقه در روستاها افزوده گردید. بین سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ به دلیل دنبال کردن خط مشی نوسازی، به نظر می رسد که بار دیگر از درصد این طبقه کاسته شده است و این روند نیز ادامه پیدا خواهد کرد. ضمناً تأثیر مهاجرت روستاییان به شهرها در قبل و بعد از انقلاب و بخصوص بعد از جنگ را نباید از یاد برد.

۴-۵- طبقه وابستگان

اعضای طبقه وابستگان دارای شغلی نیستند و درآمد آنها به وسیله ی افراد یا مؤسسه هایی تأمین می شود. قشرهای این طبقه زیاد هستند؛ اما در مجموع از سه قشر مجزای لومپن ها، بردگان خانگی و وابستگان خانوادگی می توان نام برد. لومپن ها کسانی هستند که معمولاً بیکار هستند و از طریق تکدی، دزدی یا باجگیری امرار معاش می کنند. از تعداد این قشر بعد از انقلاب کاسته شده است. بردگان خانگی کسانی هستند که در خانه افراد، انجام کارهای خانگی را به عهده دارند و در مقابل خدمات انجام داده غذا، پوشاک و مسکن دریافت می کنند. وابستگان خانگی نیز بنا بر تعریف، آن دسته از نزدیکان درجه ی یک و یا درجه دو هستند که نزد افراد زندگی می کنند و تأمین زندگی آنها به عهده ی رئیس خانواری است که آنها را نگه می دارد. متأسفانه آماري از این طبقه در جایی ارائه نشده است؛ بنابراین، امکان ارائه تعداد این آمار برای استان فارس وجود ندارد.

۴-۶- طبقه مالکان اراضی کشاورزی

این طبقه به دلیل همزیستی بین نظام های بهره برداری پیش سرمایه داری با نظام سرمایه داری، اشکال گوناگونی به خود گرفته است. در اصل، مالک ارضی، شخصی است که زمین های زراعی زیادی داشته و این زمین ها را به صورت سهم بری و یا به صورت اجاره ای، به رعیت های خود واگذار می کند. عمدتاً این مالکان در شهرها به زندگی خود ادامه می دهند و در زمان آمارگیری نیز مشخص نمی شوند. سه قشر در این طبقه تشخیص داده شده است که عبارتند از: خرده مالکان، مالکان متوسط و عمده مالکان. در استان فارس از این طبقه به دلیل عدم حضور صاحبان زمین ها در محل مورد سرشماری اطلاعات چندانی نداریم و لذا نمی توان آماری از آنها ارائه داد و وضعیت آنها را بررسی نمود.

۴-۷- طبقه کشاورزان سهم بر و یا مستاجر

از جمله ی طبقات روستایی که مطرح می شود، اعضای طبقه ای است که مالکیتی بر زمین های زراعی ندارند؛ اما در مقابل استفاده از زمین، سهم جنسی یا نقدی یا اجاره بها به مالک می دهند. کشاورزان سهم بر، در ساختار زراعی استان فارس در یک طیف از لحاظ میزان سهم زراعی قرار دارند. این مقدار بین $\frac{1}{5}$ تا $\frac{4}{5}$ کل محصول متغیر است و بستگی به عوامل عرضه شده از طرف سهم بر و میزان نفوذ مالک دارد.

به علت سکونت صاحبان اراضی کشاورزی در شهرها و نهاد وقف، کشاورزان مستاجر تعداد قابل ملاحظه ای دارند. متأسفانه اطلاعات و آمار این طبقه نیز چندان در دسترس نیست و در صورت وجود اطلاعات از این طبقه معلوم می گردید که چه مقدار از زمین های کشاورزی استان هنوز با شیوه های کهن و سنتی (همچون مزارعه) کشت می گردد (لهسایی زاده، ۱۳۸۱).

۴-۸- پایگاه های طبقاتی چندگانه

یکی از پدیده هایی که در استان فارس با آن روبرو هستیم، افرادی هستند که از لحاظ طبقاتی به بیش از یک طبقه اجتماعی تعلق دارند. به این وضعیت پایگاه های طبقاتی چندگانه می گویند. این وضعیت که مربوط به یک الی دو دهه ی گذشته می باشد، به سبب پیچیده تر شدن روابط اجتماعی در استان می باشد. برای مثال در

استان فارس با سرمایه دارانی روبرو هستیم که مالکان اراضی هم می باشند؛ همچنین بسیاری از مدیران نیز دیده می شوند که خود توانسته اند با تلاش و کوشش و یا از طرق دیگر، به جمع سرمایه داران بپیوندند. همین امر مساله ی تعیین جایگاه طبقاتی افراد و آمارگیری های اجزاء ناهمگن را با مشکل روبرو کرده است.

۵- نتیجه گیری

مطالعه ی حاضر ساختار قشربندی اجتماعی معاصر استان فارس را به طور کلی و مناطق شهری و روستایی آن را اختصاصاً مورد مطالعه قرار داد. براساس آمارهای ارائه شده درصد هر یک از طبقات به کل جامعه در زمان های مختلف متفاوت بوده است. برخی از آنها همچون کارفرمایان رو به گسترش هستند، اما طبقات مستقل، کارگری و متوسط رو به کاهش گذاشته اند. عوامل داخلی و بیرونی از نظام اجتماعی، در این تغییرات مؤثرند و روند کلی جهان که به سوی جهانی شدن جوامع و شکسته شدن مرزهای ملی است بر پیچیدگی نظام قشربندی در استان افزوده است.

حضور نظام سرمایه داری و همنشینی آن با سایر نظام های تولیدی در استان، گرچه نظامهای غیر سرمایه داری را از بین نبرده، اما از طریق مکانیزم های حفظ و نگهداری از یکسو و انحلال آن از سوی دیگر، سبب کاهش سایر آنها گردیده است. بر این اساس، می توان کاهش در نظام بهره برداری مستقل را توجیه نمود یا گسترش نظام های بوروکراتیک و تغییرات در سایر طبقات را توضیح داد.

یکی از مشکلات تحلیل کامل و آییننه سان از طبقات اجتماعی در استان فارس، فقدان اطلاعات و آمار یا مخدوش بودن آنها در سرشماری ها یا از این مهمتر فقدان یک نظام طبقه بندی و تفصیلی از تمامی مشاغل و ارتباط آن با سایر عوامل همچون تحصیلات، درآمد و ... می باشد. خود این مساله امکان شناخت جامعه ی طبقاتی و قشربندی شده ی استان را آن چنان که بایسته است، محدود می سازد.

برخی از گروه ها همچون روحانیت، مؤلفان و منتقدین که در سرشماری های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ وجود داشتند، در سرشماری ۱۳۷۵ موجود نمی باشند و به طور کلی سرشماری ۱۳۷۵ براساس ادغام هایی که صورت گرفته، بسیاری از اطلاعات جزئی و مهم را از دسترسی اهل فن خارج نموده است که لازم است به طور مشروح و مفصل در سرشماریهای بعدی ارائه گردد. در نهایت باید آمارگیری را با استفاده از برنامه های

رایانه ای به نحوی جمع آوری کرد تا این امکان برای محقق فراهم گردد تا اطلاعات را با ویژگی های مختلف و به طور تقاطعی استخراج نماید و در جهت شناخت بهتر جامعه ی استان ارائه دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- آبراهامیان، بیرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری و محسن مدیر شانه چی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۹.
- اشرف، احمد، مراتب اجتماعی در دوران قاجاریه، در بی نام، مجموعه کتاب آگاه، مسائل ایران و خاورمیانه، جلد ۱، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۰.
- بشریه، حسن، جامعه شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴.
- رزاقی، ابراهیم، اقتصاد ایران، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶.
- فوران، جان، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
- گوروویچ، ژرژ، طبقات اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۸.
- لهسایی زاده، عبدالعلی، نابرابری و قشربندی اجتماعی، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۴.
- لهسایی زاده، عبدالعلی، "قشربندی اجتماعی در استان فارس"، فصلنامه فرهنگ فارس، شماره ۱۴ و ۱۳، سال چهارم، ۱۳۷۶.
- لهسایی زاده، عبدالعلی، "نابرابری و قشربندی اجتماعی در ایران"، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره شانزدهم، شماره دوم، پیاپی ۳۲، ۱۳۸۱.
- مقدس، علی اصغر، قشربندی اجتماعی و تحرک شغلی در جامعه شهری ایران، مورد مطالعه: فارس و بوشهر، گزارش طرح پژوهشی به شماره LA-۹۳۶-۵۵۲ - ۷۵ دانشگاه شیراز، بهار ۱۳۷۷.
- مرکز آمار ایران، سرشماری های آماری کشور، گزیده آمارهای استان فارس، سال های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، تهران، مرکز آمار ایران.
- مرشدی زاد، علی، روشنفکران آذری و هویت ملی و قومی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰.

Amin, Samir, "Class and Nation, Historically and in the Current Crisis, London, Monthly Review Press, 1980.

Ashraf, Ahmad., Iran: Imprialism, Class and Modernization from Above, New York, Tesis, 1971.

Beynon, Huw and Glavanis, Pandeli, Patterns of Social Inequality, London, Longman, 1999.

Bonine, Michael E., "Shops and Shopkeepers: Dynamics of an Iranian Provincial Bazaar," in Michael E. Bonine & Nikki Keddie (eds.), Continuity and Change in Modern Iran, New York, State University of New York Press, 1981.

Poulantzas, Nicos. Classes in Contemporary Capitalism, London, Verso, 1979.

- Quijano, Anibal, "The Return of the Future and Question about Knowledge," *Current Sociology*, Vol. 50, No.1, 2000, pp. 75-87.
- Roos, Patricia A, "Revisiting Inequality," *Contemporary Sociology, Journal of Reviews*, Vol. 28, No. 1, 1999, pp. 26-29.
- Royce, William R., "The Shirazi Provincial Elite: Status Maintenance and Change," in Michael E. Bonine & Nikki Keddie (eds.), *Continuity and Change in Modern Iran*, New York, State University of New York Press, 1981.
- Tilly, Charles, "Relational Studies of Inequality," *Contemporary Sociology*, Vol. 29, No. 6, 2000, pp. 782-785.



Social Inequality and Stratification in Fars Province

Abdolali Lahsaeizadeh (Ph.D.) and Bijan Khajehnoori (M.Sc.)*

Abstract:

Social inequality and stratification is an old phenomena which in history of each society, based on different conditions, will be shaped. In the contemporary era, as a result of complexity of factors creating inequality, this phenomenon becomes more complex. The present article by using synthesis theory and recent statistics, has analyzed the inequality and stratification in Fars Province and tried to draw a picture of changes from 1966 to present time. Based on findings, the rate of capitalists has increased and in contrast the rate of independent calss, middle calss and working class have reduced. In addition, based on contemporary conditions, a multicast class is emerging in Fars province.

Keywords: stratification, social classes, managers, intellectuals workers,

* Professor of sociology, and Ph.D. student, Shiraz University, respectively.

فهرست پایان نامه های کارشناسی ارشد

نام دانشجو	مقطع	استاد راهنما	تاریخ دفاع	موضوع پایان نامه
راحله خاتمی	کارشناسی ارشد	دکتر آرمن	۸۲/۲/۱	برآورد و تخمین تابع مصرف کل در ایران با استفاده از روشهای جدید اقتصادسنجی
نصیب اله رضایی	کارشناسی ارشد	دکتر زراء نژاد	۸۲/۳/۵	برآورد تابع تولید مزارع پرورش ماهیان سردآبی (قزل آلا) در مطالعه موردی مزارع استان کهگیلویه و بویر احمد
صادق بهزادی	کارشناسی ارشد	دکتر افقه	۸۲/۳/۱۲	بررسی موانع تولید صنعتی در استان کردستان
ندا قربانی	کارشناسی ارشد	دکتر آرمن	۸۲/۶/۲۵	بررسی اثر تغییر نرخ برابری پول بر سرمایه گذاری در زیر بخش های صنعت ایران طی دوره ۷۶-۱۳۵۰
مهدی محمدی	کارشناسی ارشد	دکتر آرمن	۸۲/۷/۲۸	بررسی و تخمین عوامل موثر بر صادرات فرش دستباف ایران
عبداله زینی وند	کارشناسی ارشد	دکتر آهنگری	۸۲/۹/۲۴	سیاستهای ارزی و تجاری و تاثیر آن بر محصولات کشاورزی ایران ۸۰-۴۲
امیرحسین منتظر حجت	کارشناسی ارشد	دکتر فخرایی	۸۲/۱۰/۱۶	محاسبه نرخ حمایت خالص اسمی کل: مستقیم و غیرمستقیم در صنعت فولاد ایران بین سالهای ۸۰-۷۶
رسول سید ابراهیمی	کارشناسی ارشد	دکتر افقه	۸۳/۶/۲۱	شناسایی فعالیتهای پایه برای استان آذربایجان غربی (به تفکیک کلیه شهرستانها) و تحلیل روند اشتغال استان در دوره ۷۵-۱۳۵۵
زینت گلی	کارشناسی ارشد	دکتر فخرایی	۸۳/۶/۳۱	برآورد تابع تقاضای صادرات محصولات پتروشیمی
فرخ نوروزی	کارشناسی ارشد	دکتر فخرایی	۸۳/۹/۲	بررسی و تخمین تابع تقاضای برنج داخلی و خارجی بر حسب نوع در ایران با استفاده از روش تصحیح خطا
روح الله زارع	کارشناسی ارشد	دکتر آرمن	۸۳/۹/۳۰	بررسی رابطه علیت گرنجری بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی در ایران طی سالهای ۸۱-۱۳۶۴